



« شما افسران جنگ نرم، در عرصه های فکری و فرهنگی آتجایی که احساس می کنید دستگاه مرکزی اختلال دارد و نمی تواند درست مدیریت کند، آنجا آتش به اختیارید »

۱۳۹۶/۰۳/۱۷

سخن سردبیر



در روز دانشجو، به یاد آن سه جوان برومند که به خاطر آرمان هایشان جان خود را فدا کردند، فرصت مناسبی است که دوباره به نقش و مسئولیت دانشجویان در جامعه بپردازیم. دانشجویان همیشه در خط مقدم تغییرات بوده و هستند و این نشانگر اهمیت نقش دانشجو در تحولات اجتماعی و سیاسی کشور است. در میان هیاهوی زندگی روزمره، دانشجویان ما با چالش هایی رو به رو هستند که گاهی آنان را از فعالیتهای سیاسی دور نگه می دارد. چرا دانشجو ترجیح می دهد سیاسی نباشد؟؟ شاید ترس از پیامدها، فشارهای اجتماعی و نگرانی های آینده، دلایلی باشد که آنها را به سکوت وامی دارد. شاید هم کم کاری از من دانشجو باشد شاید هم نه... اصلا، مقصر کیست؟! بماند. در شماره ۴۸ نشریه صبا به بررسی موضوعاتی می پردازیم که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با زندگی دانشجویان و جامعه ما مرتبط هستند. با گذشت سه ماه از شروع به کار دولت جدید و با رسیدن فصل سرما، جامعه با خبری جدید و در عین حال عجیب رو به رو شدند؛ « خاموشی، آن هم در فصل زمستان! ». که با زیرکی دولت به دوگانه، کدام؟ « هوای آلوده یا قطعی برق » تبدیل شد. قطعا راهکار برون رفت از تمامی این مشکلات در گرو استفاده از ظرفیت غنی دانشگاه و مطالبه گری دانشجویان و پیگیری مستمر مشکلات هست. در این شماره به مناسبت شهادت بانوی دو عالم حضرت زهرا (س)، گریزی به خطبه فدکیه و پیام های آن برای جامعه امروز زده ایم، این خطبه گواهی است بر جایگاه والای زنان و یادآوری می کند که زنان می توانند و باید در پیشبرد عدالت و حقیقت پیشگام باشند. با آروزی روز هایی بهتر و آینده ای روشن تر برای همه دانشجویان، که امیدهای آینده این سرزمین هستند.



# مقصر کیست؟!

## دانشجوی سیاسی؛ آری یا نه؟!



اما اگر خود این وضعیت را یک بیماری خطرناک اجتماعی در نظر بگیریم آنگاه باز هم برای برون رفت از این اوضاع، چاره ای جز نقش پذیری دانشجویان برای جامعه باقی نمی ماند. به قول بچه های امروزی، کار به جایی رسیده که فقط پزشک می تواند شهر را نجات دهد.

شادی و طبری در کار نیست و هویتی هم برای طرفین ایجاد نشده است. حال در نظر بگیرید نقش ذاتی یک گروه مهم اجتماعی تحت عنوان «دانشجویان»، بر زمین وانهاده شود و اکثریت ایشان، قبول نقش نمایند. وضعیتی که در پی این انفعال حاصل خواهد شد را چگونه ارزیابی می کنید؟ جامعه ای که همه امیدهای جدی خود را معطوف به نقش پذیری جوانان خود، آن هم جوانانی از جنس دانشجو داشته و در کوران مشکلات و گرفتاری ها، هر کجا از شدت خرابی اوضاع به آستانه ناامیدی مطلق رسیده، امید به آبادی و یافتن راهی برای خروج از بن بست ها را در این گروه مهم اجتماعی باز بسته است؛ اکنون باید در پاسخ این خواستگاری، جواب نه بشنود. چرا که دانشجو به هر دلیل موجه یا ناموجهی، ترجیح می دهد که به زیر بار نقش خود نرود و موضع انفعال را برگزیند. واضح است که فاتحه چنین جامعه ای خوانده شده است و رو به زوال خواهد رفت. قطعا کسان زیادی و به عبارت دقیق تر، گروه های دیگری از این جامعه، در به انفعال رساندن دانشجویان امروز خواسته یا ناخواسته، دانسته یا نادانسته، نقش داشته اند و انفعال امروز، خود معلول علت های دیگری است؛

دانشجوی سیاسی؛ آری یا نه؟! به نظر سؤال جذابی است ولی سؤال درستی نیست. طرح سؤال به صورت دو شقی، زمانی صحیح است که هر دو حالت پاسخ، امکان پذیر باشد. در حالیکه دانشجو به طور ذاتی، سیاسی است و نمی تواند سیاسی نباشد. شاید دانشجو منفعل باشد و به باور خود، یک مسیر جدای از سیاست را انتخاب کرده باشد؛ اما خود این انفعال دانشجو، یک کنش گری سیاسی است و پیامدهای سیاسی مهمی به دنبال دارد. پس بهتر است سؤال آغازین را اینگونه اصلاح کنیم: دانشجوی منفعل؛ آری یا نه؟ گفته می شود که طرح درست سؤال، خود نیمی از جواب است. پس اکنون به نظر می رسد با طرح درست مسئله، نیمی از جواب را گرفته ایم. پاسخ رایج امروزی و آنچه در واقعیت مشاهده می شود این است که گزینه «دانشجوی منفعل»، تأیید بیشتری به همراه دارد و اگر این طور باشد آنگاه جامعه ما گرفتار یک آسیب بزرگ است. رابطه افراد در جامعه، تحت قراردادهای اجتماعی تعریف می شود و افراد، هویت خود را از نقش آفرینی طبق این قراردادها کسب می کنند. در هر قراردادی، یک طرف نقشی را عرضه می کند و طرف دیگر، آن نقش را تقاضا می کند. مثلا عقد ازدواج! تا زمانی که جواب بله شنیده نشود،



## این راه ادامه دارد...

با پیچیدن خبر پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و بازگشت دوباره او به کاخ سفید، نگرانی‌ها و سوالات درباره آینده غرب آسیا به ویژه فلسطین به اوج خود رسید. به گونه‌ای که در هرجا خبر از سیاست‌ها و کابینه مخوف او به گوش می‌رسد. در این میان می‌توان از جان راتکلیف نام برد که به گزارش روزنامه صهیونیستی هآرتس، ترامپ یکی از جنگ‌طلبان و حامیان سر سخت سیاست ضدایرانی را به کابینه خود اضافه کرده است. یا می‌توان به یکی از حامیان سرسخت اسرائیل به نام مایک هاکی که به عنوان سفیر آمریکا در اسرائیل برگزیده شده است اشاره کرد. با این تفاسیر همه چیز به نفع نتانیاهو تعبیر می‌شود و او اولین کسی است که باید از بازگشت دوباره ترامپ ابراز شادی کند. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که جبهه مقاومت در چه حالی است؟ با آتش بس در لبنان و شروع اتفاقات سوریه که خیلی هم دور از تصور نبود و ماه‌ها بود که کارشناسان درباره تحولات و رفتارهای منافق گونه «کشور همسایه سوریه» و دوباره فعال شدن گروه‌های تکفیری هشدار میدادند، اما به هر صورت آنچه شد که نباید می‌شد. این اتفاق را اگر در پازلی بزرگ تر ببینید شاید بهتر متوجه روند تحولات شوید.

- کوتاه شدن دست روسیه از بندر لاذقیه سوریه یعنی قطع ارتباط آن با دریای مدیترانه که عاملی برای دور زدن تحریم‌های آمریکا و اروپا بود.

- سوریه لجستیک و تامین کننده سلاح محور مقاومت بود. سقوط سوریه میتواند امتیاز گیری آمریکا و ترامپ باشد که در آتش بس‌های احتمالی آینده هم در مسئله خاورمیانه و به ویژه غزه و هم اوکراین دست برنده را داشته باشند. با فرار بشار شاید خیلی‌ها فکر کنند که راه اصلی و ارسال سلاح به حزب الله دیگر بسته شده و حزب‌الله هم دیگر توان جنگ ندارد اما مقاومت ثابت کرده است که همیشه در شرایط سخت شکوفا میشود و قوی تر از قبل به راه خود ادامه می‌دهد. همانگونه که ارتش یمن در بیانیه خود اعلام داشت: ما به همه دنیا اطمینان می‌دهیم که خط جهاد و خط قرآن و ایثار و پیروزی را رها نخواهیم کرد. بار دیگر به مجاهدان فلسطین و لبنان می‌گوییم: شما تنها نیستید و ما تا پیروزی با آمادگی کامل برای مقابله با نیروهای استکبار و ابزار آنها در منطقه همراه شما هستیم. برای مقاومت فرقی نمی‌کند که ترامپ رئیس جمهور باشد یا نه. جبهه تنها مسیری را می‌بیند که باید طی شود. مسیری که انتهایش آزادی است و همچنان ادامه دارد.

## سوریه عرصه ای برای تکرار تاریخ

**تاریخ همیشه و در هر مکان و زمان در حال تکرار است.** از نقشه‌های شوم دشمن غربی برای منطقه و کشور های آن تا تغییر و تحول در عمق استراتژیک کشورها و بروز و ظهور حکومت‌های جدید، نمایان گر پیاده کردن نقشه‌های تکراری در جای جای جهان هستند. که در این بین به پنج مؤلفه اصلی نقشه دشمن برای منطقه اشاره خواهیم کرد:

### ۱. روایتگری محدود از اهداف خطرناک دشمن:

در سال ۲۰۰۶ میلادی جو بایدن رئیس جمهور پیشین آمریکا نقشه‌ای را در جهت تجزیه و چند بخش کردن عراق به سه کشور سنی نشین، شیعه نشین و کرد نشین بر اساس مؤلفه‌های قومیتی و مذهبی ارائه و در عرصه عمل شاهد تجزیه عراق یکپارچه به سه بخش فوق بوده ایم که موفقیت آنان در این عرصه و دست یافتن به خواسته‌های خود تبدیل به یک سیاست خارجی و نقشه راه کلان برای دست یابی به مقاصدشان است که این قاعده کلان در خصوص سوریه نیز صادق است.

تجزیه سوریه هدفی است که حتی رسانه‌های غربی به طور آشکار از آن پرده برداشته‌اند و تلاش رسانه‌های صهیونیستی برای مخدوش کردن آن و تمرکز زدایی از هدف اصلی است.

که مردم کشور های منطقه بیش از هر زمانی نیاز به فهم و درک این اتفاقات تاریخی دارند تا بتوانند با تصمیمی به موقع و درست مانع از بروز چنین اتفاقی شوند.

### ۲. مواجهه با گفتمان واحد جبهه مقاومت:

جبهه مقاومت در سال‌های اخیر بیش از هر زمان از اتحاد و انسجام گفتمانی برخوردار بوده است و این مسئله خود را در میدان‌های مختلف جبهه حق علیه باطل (از جمله در تحولات اخیر) نمایان ساخته است. بیداری جهانی در برابر ظلم و جنایات رژیم صهیونیستی در فلسطین و لبنان نشان از قدرت جبهه مقاومت بر علیه ظلم و استکبار جهانی است که به خوبی توانسته این امر را به جهانیان تحت عنوان (گفتمان جهانی مقاومت) ارائه دهد. در چنین شرایطی دشمنان در صدد تضعیف این جبهه و ارائه تصویری ضعیف از آن هستند که بتوانند چراغ روشن بیداری و حیات مقاومت را به سمت خاموشی ببرند. اما دریغ از این که جبهه مقاومت وارد مرحله جدیدی شده است که نتیجه آن شکست سنگین تل آویو و واشنگتن خواهد بود.

### ۳. تضعیف عمق استراتژیک مقاومت در فضای رسانه:

دشمن با استفاده از پیروزی‌های مقطعی خود(نماد سازی) و بزرگ نمایی آن سعی در تضعیف عمق اثر گذاری جبهه مقاومت در اذهان عمومی و کشور های مختلف دارد که به نوعی تهدید عمق استراتژیک مقاومت است اما در این بین دچار یک خطای بزرگ شده است: این که عمق استراتژیک مقاومت نه صرفاً در میدان جنگ بلکه در اذهان و قلوب ملت‌های منطقه و جهان بوده است و به این دلیل به راحتی در حساس ترین بزنگاه‌ها قدرت بازخوانی خود را میسر می‌کند.

### ۴. اختلال در افکار عمومی مردم:

دشمن در پی ایجاد شرایط لازم برای تغییر اصول، باورها، راهبردها و رفتارها در قالب "جنگ روانی" جهت از بین بردن باورهای مردم در خصوص تحولات اخیر است که اتفاقات را برای مردم عادی جلوه دهد و در نتیجه انفعال فکری ملت‌ها را به دنبال داشته باشد. اتفاقی که در خصوص اتفاقات سوریه صادق است. رژیم صهیونیستی از این جنگ حتی برای ارتش سوریه نیز استفاده کرد اما قطعاً با هوشیاری ملت منطقه از تعمیم دادن آن به اذهان بیدار و آگاه مردم عاجز خواهند ماند.

### ۵. تشکیل الگوهای خطرناک حکمرانی:

در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ میلادی، پس از اشغال افغانستان و عراق، آمریکا تلاش کرد با تشکیل الگوهای حکمرانی جدید و پرخطر، با عناوینی مانند «اسلام سکولار»، «اسلام تکفیری»، «اسلام مبتنی بر لیبرال دموکراسی غربی» و «اسلام همزیست با صهیونیسم»، الگوی حکمرانی دینی را که ایستادگی در برابر دشمنان اسلام را وظیفه شرعی خود قلمداد می‌کند به انزوا ببرد اما منظومه حاکمیت دینی به قدری قدرتمند است که اجازه چنین دست‌درازی را به آمریکا و هم پیمانانش را ندهد. و ان شاءالله و به حول و قوه الهی با بیداری مردم سوریه و فهم درست از مسائل این اجازه را به دشمن نمی‌دهد که بار دیگر بخواد نقشه‌های شوم و تاریک خود را در منطقه پیاده کند.

والسلام و علیکم و رحمته الله و برکاته

## خاموشی اتفاقی نیست!

یکی از راه‌های پیشرفت هر کشور در گرو ثروتی است که تولید می‌کند و تولید ثروت نیز وابسته به سرمایه‌گذاری در صنایع مولد است و چرخ صنعت نیز با انرژی می‌چرخد. بنابراین مسئله ناترازی انرژی موضوعی حیاتی برای هر ایرانی است که چشم‌اندازش روزی است که به ایرانی بودن خود افتخار کند. روزی که برای تولید برق فقط از انرژی‌های تجدیدپذیر چون خورشیدی و بادی و هسته‌ای و... بهره‌می‌برد و لذت بیرون رفتن با ماشین‌های برقی و از آن مهم‌تر، در جهان حرف اول را در تولید این توربین‌ها و استفاده از آن‌ها در انواع صنایع می‌زند!... همه چیز از آنجا شروع شد که اواخر دهه ۸۰ تا اوایل دهه ۹۰ طبق قانون نیروگاه‌ها به بخش خصوصی واگذار شدند(در حال حاضر ۶۰ درصد آنها خصوصی هستند). قانونی که بر گرفته از اصل ۴۴ است و قاعداً مالکیت بخش خصوصی بخاطر اثر جایگزینی(بخش خصوصی جایگزین بخش دولتی که معکوس آن سبب کم شدن سرمایه‌گذاری و کوچک شدن اقتصاد می‌گردد)باید سبب افزایش سرمایه‌گذاری در آن حوزه شود و توسعه را به ارمغان آورد، اما چه چیزی سبب شد که از سال ۹۲ فاصله میان عرضه و تقاضای برق(تقاضا بیش از عرضه) شیب صعودی داشته باشد. به طوری که در همان زمان جزوه‌ای تحت عنوان «خاموشی در راه است» تاریکی و سمرامی خانه‌هایمان در این روز‌ها را پیش بینی کرده باشد! آیا ایراد از قوانین است یا عدم اجرایی کردن آنها؟ قطعاً فقط یک متغیر عامل خاموشی‌ها و ناترازی انرژی نیست اما می‌توان عدم سرمایه‌گذاری در بخش تولید انرژی و ساخت نیروگاه را یکی از مهم‌ترین عوامل دانست فارغ از بخش توزیع و مصرف برق که قطعاً مدیریت هر سه این بخش‌ها با یکدیگر سبب توسعه و رشد می‌شود. وقتی به دلایل بی‌انگیزگی سرمایه‌گذاران از سال ۹۲ تا ۴۰ درصد انرژی رجوع می‌کنیم اغلب با موانعی اعم از عدم اجازه صادرات به بخش خصوصی، مشخص نبودن تعرفه برق(اعلام نکردن نرخ)، دیر بازده بودن و... که در قانون مانع زدایی از صنعت برق در سال ۱۴۰۱ اغلب این موانع به شکل قانونی برطرف شدند و بخشی از آنها مانند اعلام نرخ برق از قبل در قانون برنامه پنجم توسعه بند «و» ماده ۱۳۳ بوده و اجرایی نشده است. و در برنامه هفتم نیز نقص «عدم بازگشت سرمایه» که خود داستان دراز دارد، با تشکیل سازمانی تحت عنوان بهیته‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی سعی در حل این معضل شده است. طبق وعده‌های دولت چهاردهم مبنی بر اجرا برنامه هفتم توسعه امیدوار هستیم که سرمایه‌گذاری در حوزه برق و انرژی افزایش پیدا کند بخصوص در انرژی‌های تجدیدپذیر، جدای از اینکه برای محیط زیست مفید هستند زود بازده تر اند و همچنین نگرانی ما را از بابت عمل به شعار وفای ملی و داشتن وحدت میان ۳ قوه در جهت رشد و توسعه به ویژه حوزه اقتصاد انرژی برطرف خواهد کرد. نکته دیگر اینکه دولت با داشتن دید و برنامه بلند مدت و دیدگاه ملی از پیاده‌سازی سیاست‌هایی که به بهانه ارتباط با دنیا اما در عمل رفتن زیر بار خوی استکباری آنها که منفعت خود را در عقب ماندگی ما می‌بیند و از هر راهی ورود می‌کنند تا جلوی رشد صنایع ما را بگیرند. حال یا به بهانه عدم آسیب به محیط زیست در سال ۹۷ یا عدم ساخت سلاح‌های هسته‌ای از ابتدای انقلاب.

آرزو بر جوانان عیب نیست! :

**معرفی اپلیکیشن**

سوپر اپلیکیشن ۱۲ نرم افزار مهدویت



۱۲، یا بهتر بگم سوپر اپلیکیشن ۱۲ اولین و بزرگ ترین نرم افزار مهدویت جهان اسلام. در این نرم افزار می‌توانید انواع پادکست‌ها، ویدیوها و حدود ۲۰۰۰ کتاب با قابلیت کپی برداری در حوزه مهدویت را از اساتید برجسته کشور مشاهده کنید و نسبت به سلیقه‌ای که دارید انتخاب و از آنها بهره‌مند شوید. ۱۲ همچنین امکانات دیگری مانند ادعیه‌ها و زیارات، چله ترک گناه، لغت نامه مهدویت، ذکر شمار... را دارا می‌باشد. که این اپلیکیشن را به خلوت گاهی مناسب و جذاب برای دوست داران حضرت ولی عصر تبدیل کرده است.

**۱۲ فراتر از انتظار**

طرفه العینی غلغله شد. مهاجرین و انصار از هم پیشی می‌گرفتند. کودکان بر دوش مردان قرار گرفتند تا یادگار پیامبر را به محض ورود ببینند. انگار جمعیت می‌خواست دیوارهای مسجد را در هم بشکنند یا لاقط عقب براند. آرام اما باشکوه و وقار از خانه درآمدید. این شما بودید یا پیامبر که بر زمین می‌خرامیدید؟! همه گفتند انگار پیامبر زنده شده است. شبیه ترین فرد حتی در راه رفتن به پیامبر. وقتی شما قدم به مسجد گذاشتید نفس در سینه مسجد حبس شد در پشت پرده‌ای که به دستور شما آویخته شده بود قرار گرفتید و مدتی فقط سکوت کردید. سکوتی که یک دنیا حرف در آن بود و آنها که گوش شنیدن این سکوت را داشتند ضجه زدند. گریه شما بغض مسجد را ترکاند. مسجد یکپارچه ضجه و ناله شد و بعد سکوت کردید. سکوتی که عطش را دامن می‌زند و تشنگی را صد چندان می‌کند. و... لب به سخن گشودید. بیش از همه چیز بهت و حیرت بر دل‌های مسجدیان سنگینی می‌کرد. عجب! این فاطمه است یا فاتح قلعه‌های فصاحت؟! این زهراست یا زه کمان کیاست؟! این بتول است یا بانی بنای بلاغت؟! این طاهره است یا طلایه دار کاروان خطابت؟! این همان کوثر همیشه جوشان است که خدا به پیامبر عطا کرده است!... و این ابتدای وادی حیرت بود. هان ای مردم! بدانید که من فاطمه‌ام و پدرم محمد است. حرف اول و آخرم یکی است.

(کتاب کشتی پهلو گرفته - سیدمهدی شجاعی)

تازه، از فدک هم که خود هیچگاه بهره نمی‌بردید. فدک در تملک شما بود و فقر از سر و روی این خانه می‌بارید. پس چه رازی بود در این ماجرا که شما را چون اسپندی از بستر بیماری خیزاند و به سوی ابوبکر کشاند؟ من این راز را دریافتم اما چه فرقی می‌کند که فضا خدمه‌ای این راز را دریافته باشد یا نیافته باشد. کاش مردم این راز را می‌فهمیدند، ایمانشان را طوفان حادثه برده بود، عقلشان چه شده بود؟ فدک برای شما باغ و ملک نبود، روی دیگر سکه خلافت بود. و شما به همان محکمی که در مقابل غصب خلافت ایستادید، در مقابل غصب فدک مقاومت کردید. شما در ماجرای غصب فدک درست مثل غصب خلافت انحراف از اصل اسلام و پیام پیامبر را می‌دیدید. فدک یعنی خلافت و خلافت یعنی فدک، فدک بُعد اقتصادی خلافت است و خلافت بُعد سیاسی فدک و خلافت و فدک یعنی اسلام یعنی پیامبر. غضبناک و خشم آلود به ابوبکر فرمودید: فدک از آن من است، می‌دانی که پدرم به امر خدا آن را به من بخشیده است، چرا آن را غصب کردی؟ ابوبکر گفت: بر این ادعایت شاهد بیاور. تو شاهد آوردی و خلیفه خلع سلاح شد. باشد فدک از آن تو. بنویس! نیاز به... بنویس! و خلیفه نوشت که فدک از آن زهراست. تمام؟ نه، عمر وارد شد. چه کردی ابوبکر؟ هیچ فدک از آن فاطمه بود، گرفته بودم شاهد آورد، پس دادم. عمر نوشته را از شما گرفت، بر آن آب دهان انداخت و آن را پاره کرد. بند دل ما را. کاش من درون سینه تان بودم و به جای آن جگر نازنینتان می‌سوختم. کاش شما دختر پیامبر نمی‌بودید. کاش اینقدر خوب نمی‌بودید. کاش اینقدر عزیز نمی‌بودید که دل ما اینقدر آتش نمی‌گرفت. بانوی من! وقتی به خانه بازگشتید، گریه امانتان را ربود، تا اینکه تصمیم غریبی گرفتید. اعلام کردید که به مسجد می‌روید و سخنرانی می‌کنید. خبر مثل رعد در فضای مدینه پیچید و شهر را لرزاند مسجد به

**میراث غصب شده**


دفعتا خبر آمد که فدک از دست رفت و این برای شما بانوی من که تازه داغ غصب خلافت دیده بودید کم غمی نبود. شما در بستر بیماری بودید از همان دم که عمر در را بر پهلو می‌گذاشت و شکست و جان کودک همراهمان را گرفت و شما فریاد زدید: فضا مرا دریاب! من فهمیدم که کار تمام است و شده است آنچه نباید بشود شما مضطر و مضطرب از بستر بیماری جهیدید و گفتید: چرا؟! و شنیدید فدک را هم غصب کردند. من که کنیزی ام به افتخار در خانه شما، می‌دانم که فدک قریه‌ای است در اطراف مدینه. از مدینه تا آنجا دو سه روز راه است. این باغ از ابتدا دست یهود بوده است تا سال هفتم هجرت. در این سال که اسلام قدرتی فوق العاده می‌گیرد یهود بیم زده از در مصالحه در می‌آید و این باغ را به شخص پیامبر هدیه می‌کند تا در امان بماند و پیامبر به دستور صریح خداوند فدک را به شما می‌بخشد. شما برخاستید، با همان حال نزار و تن بیمار پس از وفات پدر بزرگوارتان هر روز چروک تازهای بر پیشانی مبارکتان می‌نشست اما از این حادثه آنچنان برآشفیتید که من مبهوت شدم. مرا ببخشید بانوی عالمیان! با خودم فکر کردم که این فدک مگر چیست که غصب آن زهرا را مرضیه را این گونه برمی‌آشوبد؟ فدک ملک با ارزش و پردرآمدی است. درست، اما برای فاطمه بریده از دنیا که مال دنیا ارزش نیست.

**شناسنامه:**

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه هرمزگان  
 مدیر مسئول: مهدیه محمدی آزاد  
 سردبیر: امیر مهدی علی‌آبادی  
 هیئت تحریریه: امیر مهدی علی‌آبادی، امیرحسین رضایی  
 مهدیه محمدی آزاد، فاطمه مرادی

**راه‌های ارتباطی با انجمن اسلامی دانشجویان مستقل**


mostaghelhu



mostaghelhu



mostaghelhu



mostaghelhu1